

تاریخ علم، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۱-۴۹

وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش

محسن بهشتی سرشت

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

mbeheshtiseresht@yahoo.com

فوزیه جوانمردی*

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

Javanmardi1318@gmail.com

(دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۲، پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۳)

چکیده

روند تأسیس مدارس نوین در ایران که از دوره قاجاری آغاز شده بود در دوره پهلوی اول ادامه داشت. در این مقطع، رضا شاه به عنوان نقش‌آفرین اصلی این عرصه، بنا به تفکرات و اقدامات به‌ظاهر تجددگرایانه خویش، به تأسیس مدارس نوین در نقاط مختلف ایران اقدام کرد. با وجود آنکه روند نوسازی مدارس آرام بر اوضاع فرهنگی کردستان اثر می‌گذاشت، اما کردستان از جمله مناطقی است که تحت تأثیر این طیف از افکار تجددگرایانه رضا شاه قرار گرفت و شاهد برپایی نخستین مدارس نوین در جامعه خود بود. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ابتدا پیشینه‌ای از اماکن آموزشی و وضعیت آنها در کردستان تا قبل از وقوع این تغییر و تحولات نوظهور، ارائه گردد و سپس در ادامه به بررسی مدارس نوین در پرتو شرایط جدید و وضعیت آموزشی آنها در کردستان بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: اصلاحات فرهنگی، رضا شاه، کردستان، مدارس نوین.

مقدمه

پایه‌گذاری مدارس جدید در ایران را می‌توان به دوره قاجار و مدارس ملی که در دوره سلطنت مظفرالدین شاه تأسیس شدند، نسبت داد، البته پیش از آن میرزا حسن رشديه، اولین مدارس نوین را در تبریز ایجاد کرده بود. چون دوره قاجار هم‌زمان با تحولات سده نوزدهم کشورهای غربی بود، لذا روشنفکران ایران مجذوب این دستاورد شدند و برای جبران عقب‌ماندگی کشور تلاش‌هایی کردند. اما می‌توان گفت تا پیش از مشروطه، تحولات سیاسی شرایط نامساعدی را برای رواج آموزش جدید ایجاد کرده بود. از طرفی افراد اصلاح‌طلب نیز به‌سرعت برکنار می‌شدند و لذا کوشش‌های افراد انگشت‌شماری، نظیر رشديه، نیز که از متن جامعه برمی‌آمد با مخالفت‌های بسیاری مواجه شد و پیشرفت چندانی نداشت. خود حکومت قاجار نیز با ساختار ایلی سنتی غالبی که داشت، برای گسترش آموزش جدید پیش‌قدم نمی‌شد (دولت‌آبادی، ص ۳۴۹). اما در اثر رویارویی نظام آموزشی کهن (مکتب‌ها) با روشنگران طرفدار مدارس نوین این سیستم قدیمی به تدریج در هم ریخت و جای خود را به نظام آموزشی جدید داد. بعدها با وجود تغییر حکومت به مشروطه و تأسیس مجلس، اغتشاشات و نابسامانی‌های داخلی، مانع از آن شد که گامی جدی در این زمان برای رشد نهادهای آموزشی برداشته شود.

با قدرت گرفتن رضا شاه، اقدامات متجددانه بسیاری در زمینه‌های مختلف انجام شد؛ که از جمله آنها اقدامات فرهنگی بود. در زمینه فرهنگی اصلی‌ترین و مهم‌ترین کار، ایجاد تحولات آموزشی و گسترش مدارس نوین در سراسر ایران بود. بدین ترتیب مدارس بسیاری در سراسر نقاط کشور برای رسیدن به این هدف ساخته شد و استوارترین پایه تجددگرایی را در مدارس ایران و ذهن کودکان و جوانان کشور گذشت. البته همان‌طور که اشاره شد روند شکل‌گیری این مدارس در سراسر ایران مختص به حکومت پهلوی نبود، بلکه روندی بطیء داشت و پیش از مشروطه آغاز شده بود، در دوره احمد شاه نیز توانست شکلی سازمان‌یافته بگیرد. تا این که در دوره پهلوی اول رواج کامل یافت و آموزش ابتدایی، صورت دولتی گرفت. از این پس بود که در مناطق مختلف کشور مدارس ابتدایی و متوسطه دولتی تأسیس گشت. در این پژوهش سعی می‌شود به مسائلی نظیر آغاز و نحوه شکل‌گیری مدارس نوین در کردستان اردلان و معرفی مهم‌ترین مدارس پسرانه و دخترانه این منطقه در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ پرداخته شود و به این پرسش

که کردستان تا چه حد هم‌پای این تحول فرهنگی (مدارس نوین) پیش رفت پاسخ گفته شود.

در مورد شکل‌گیری مدارس نوین در کردستان، آثار موجود عمدتاً مطالبی به صورت پراکنده و گذرا آورده‌اند. تنها اثر جامع در این زمینه، کتاب پیشینه آموزش و پرورش کردستان تألیف عبدالحمید حیرت سجادی است که صرفاً متکی بر اسناد است. می‌توان گفت منابع پیشین در بهترین حالت، تنها بر اسناد تکیه دارند، اما در این پژوهش سعی شده است به اسناد به‌عنوان بخشی از منابع رجوع شود و مطبوعات و آثار معتبر این دوره نیز بررسی شوند.

پیشینه مدارس نوین در ایران (از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول)

در دوره مشروطه، جامعه ایران با جهانی مواجه شد که از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن فاصله زیادی داشت. بنا بر این روشنفکران این دوره به ضرورت تحول در جامعه خود پی بردند. تبادل هیئت‌های سیاسی، اعزام محصل به خارج، آمدن هیئت‌های مذهبی و انتشار روزنامه، انجام اصلاحات را، به‌ویژه در زمینه آموزش و پرورش، ضروری کرد و به دنبال آن تأسیس مدارس نوین لازم می‌آمد (صدیق، ص ۲۵۳). برای نمونه هیئت‌های مذهبی که به ایران می‌آمدند مدارس تأسیس کردند و بعد از مدتی اینها تبدیل به مدارس دولتی شدند، به همین منظور پس از تشکیل اولین مجلس شورای ملی مشروطه در دو ماده ۱۸ و ۱۹ قانون اساسی، تحصیل علم و معرفت و فنون و صنعت، در صورت عدم مغایرت با قوانین شرع برای عموم آزاد اعلام شد (کشاورزی، ص ۲۰۶). اما باوجود این تلاش‌های اولیه، به دلیل تنگناهای مالی، دولت مشروطه نتوانست بودجه مدارس دولتی را تأمین کند و یا تعداد آنها را افزایش دهد. از طرفی اشتغالات سیاسی حامیان مدارس جدید و درگیری‌های آنها، مانع از پیش برد آموزش جدید می‌شد. البته در برخی موارد، جلساتی به این منظور تشکیل می‌شد اما «اینها تماماً در حد حرف بود و یک‌قدم برای ترقی مدارس برداشته نمی‌شد... مدارس دولتی به واسطه ضیق مالیه و دولت و نرسیدن وجه به آنها، همه مقروض و پریشان بودند» (دولت‌آبادی، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۸). اگرچه در مجلس دوم به سال ۱۲۸۸ قانون‌های مهمی در زمینه آموزش از تصویب نمایندگان گذشت که از آن جمله تحصیلات ابتدایی مجانی اجباری بود و اینکه وظیفه رسیدگی به امور آموزشی کشور بر عهده وزارت معارف قرار گرفت. اما این مدارس اندک که اکثراً در مرکز ولایات تأسیس شده بود، به فرزندان اعیان و

اشراف و ثروتمندان کشور تعلق داشت و اجباری بودن تعلیمات عمومی به صورت عملی وجود نداشت (ملک‌زاده، ص ۲۱۸) و لذا اکثریت جامعه نیز که تمکن مالی نداشتند، از داشتن مدرسه و علم و دانش بی‌بهره بودند. از طرفی به دلیل تبلیغات برخی از علما بدگمانی نسبت به مدارس جدید در فرهنگ عمومی کشور منعکس شده بود. تا قبل از کودتای ۱۲۹۹، ایران از حیث آموزش و فضاهای آموزشی از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نبود. مقارن این دوره مدرسه دارالفنون و نیز مدرسه طب با ۳۴ محصل و مدرسه جدیدالتأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات و برخی از مدارس که تحت نظارت وزارتخانه‌ها اداره می‌شدند کماکان مشغول به کار بودند (نک: محبوبی اردکانی، ج ۱). اما چون تأسیس مدارس نوین در جامعه باعث واکنش‌هایی شده بود و بعضاً نخبگانی که خود می‌توانستند عامل تغییر باشند، به‌عنوان مانعی در برابر مدارس جدید قرار گرفته بودند، رونق آنها تا دوره پهلوی اول به تعویق افتاد.

پیشرفت نهادهای آموزشی جدید کشور در دوره مشروطه، به دلیل نداشتن استقلال، ضعف درونی و ساختار سیاسی استبدادی کشور تا حدودی با شکست روبه‌رو شد. هرج و مرج‌های بعد از مشروطه نیز سبب شد تجدد خواهان بیشتر به انسجام ملی در برنامه‌ریزی مدرنیزاسیون و اجرای آن تمایل پیدا کنند و همین موجب شد که رسیدن رضا خان را به قدرت به فال نیک بگیرند. در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۱ بعد از آزمون نسبی که در کشور برگزار شده بود، شورای عالی معارف به تصویب مجلس رسید و به‌موجب آن امور اجرایی مدارس به اداره معارف واگذار شد.

در این زمان به دلیل امنیتی که از نظر سیاسی بر کشور حکم فرما شده بود حمایت از مدارس و نهادهای آموزشی نوین از سوی تجددگرایان و دولت بیشتر شد. به‌طوری که در سال ۱۳۰۲ مجلس به‌موجب قانونی وزارت مالیه را واداشت تا کسری بودجه مدارس حومه تهران را به وزارت معارف بپردازد. با شروع حکومت پهلوی اول، یکی از اقدامات مهم این دوره، اصلاح و پیش‌برد تعلیم و تربیت بود. تحصیلات ابتدایی اجباری برای کودکان شش تا سیزده ساله و شش سال دوره متوسطه بر پایه برنامه آموزشی تازه کشور فرانسه، به‌طور جدی طرح‌ریزی شد. بین سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۸ تعداد مدارس ابتدایی چهار برابر و مدارس متوسطه شش برابر شدند و نام‌نویسی دختران در مدارس ابتدایی و متوسطه تقریباً ده برابر شد (غنی، ص ۴۱۸-۴۱۹).

اما همه این تلاش‌ها از سوی رضا شاه و نخبگان تجددخواهی که بر گرد او بودند، با روش‌های آمرانه و اجباری و ستیزه‌جویی با نهادهای سنتی همراه بود. لذا چون تأسیس این مدارس تغییراتی چون تغییر اجباری لباس، کشف حجاب و حذف تعلیمات دینی در مدارس را به دنبال داشت، این مدارس وسیله‌ای برای تلقین افکار حاکمیت پنداشته می‌شد. همین موجب شد که روند فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری مدارس جدید در ایران با اختلال همراه باشد. لذا می‌توان گفت اگر در دوره قاجار حامی نبودن دولت، عامل رونق نیافتن مدارس بود، در این دوره حکومت با اقدامات نسنجیده و افراطی خود موجب بدگمانی بسیاری شد. به طوری که با وجود تلاش‌ها و بودجه‌ای که برای این اقدام صرف شد اما همچنان نتوانست به ریشه‌کن شدن بی‌سوادی در میان همه اقشار جامعه کمک کند.

وضعیت آموزشی در کردستان (پیش از تأسیس مدارس نوین)

نخستین جایگاه آموزشی در اسلام مسجدها بودند. از این رو نخستین مکتب‌خانه‌ها نیز در مساجد تشکیل می‌شد. در دوره قاجار علاوه بر مسجدها بیشتر مکتب‌خانه‌ها در سر گذرها، دکان‌ها، خانه‌های شخصی آخوندها و یا خانه‌های کسانی که رایگان آنها را در اختیار آخوندها و یا مکتب دارها می‌گذاشتند تشکیل می‌شد (قاسمی پویا، ص ۴۵). در کردستان نیز مکاتبی برای تعلیم بچه‌ها وجود داشت که محل این مکتب‌خانه‌ها یکی از اتاق‌های مسجد هر محل بود. آموزش دادن و تدریس به بچه‌ها را معمولاً پیش‌نماز (آخوند) مسجد به عهده می‌گرفت که این شخص را ماموستا (استاد) خطاب می‌کردند. اشخاصی هم بودند که در منزل خود و یا محل دیگری به تعلیم اطفالشان می‌پرداختند، این شامل مکتب‌خانه‌های خصوصی می‌شد که خاص طبقات بالای جامعه بود (قاسمی پویا، ص ۴۵). شیوه تدریس ماموستا به این شکل بود که یکی از بچه‌های زرتنگ و بالیاقت را به نام «خلیفه» تعیین می‌کرد تا در غیاب او مکتب را اداره کند و بخشی از وظیفه استاد را بر دوش بگیرد و به بچه‌ها درس بدهد، به طور کلی خلیفه در سر و سامان دادن کار مکتب و مکتب‌دار شرکت فعال داشت (همو، ص ۶۲) به طوری که بچه‌ها او را «ملا» هم می‌گفتند (حیرت سجادی، ص ۴۵).

بعد از آشنایی بچه‌ها با حروف، تدریس قرآن از سوره‌های کوچک آغاز می‌شد تا به ختم قرآن می‌انجامید. در کنار فراگیری قرآن، بچه‌ها باید رساله «روله بزانه» (بدان فرزندم) را که حاوی مطالبی اعتقادی بود، حفظ می‌کردند. در کردستان دو نوع «روله

بزانی» موجود بود، یکی را «ملا خضر رودباری» و دیگری را «ملا عبدالله مفتی» به شعر اورامی در حد فهم و یادگیری بچه‌ها درآورده بودند. پس از آن گلستان و بوستان، نصاب الصبیان، اعتقادنامه و نان و حلوی عبدالرحمن جامی و موش و گربه عبید زاکانی تدریس می‌شد. اینها مقدماتی بود که اطفال تا سن دوازده سالگی در مکتب می‌آموختند (حیرت سجادی، ص ۴۵). در این مکاتب حتی ریاضیات را نیز به زبان عربی درس می‌دادند و آگاهی مردم کردستان از زبان و ادبیات فارسی در حد پایینی بود. همچون سایر نواحی ایران، بیشترین توجه مکتب‌خانه‌ها بر علوم دینی و اخلاقی بود و علوم اوایل که می‌توانست جنبه کاربردی برای پیشرفت کشور داشته باشد در این مکان‌ها تدریس نمی‌شد و لذا می‌توان گفت به همین دلیل آموزش در این برهه دچار رکود شده بود.

از مکاتب شناخته‌شده در سندج می‌توان از مکتب انصاری (۱۲۸۴)، مکتب اختری (۱۲۸۹)، مکتب ذبیحی (۱۲۹۲)، مکتب مهاجر (۱۲۹۵)، مکتب شهابی (۱۲۹۸) و مکتب مفلح (۱۳۰۰) نام برد. مکاتبی نیز در شهرهایی چون سقز و مریوان و پاوه بود از جمله مکتب ملا محمدصادق (۱۲۹۵) و مکتب سید حکیم (۱۲۹۷) در سقز را می‌توان نام برد (حیرت سجادی، ص ۴۶). از این مدارس بعدها با عنوان مدارس قدیمه یا مکتب نام برده می‌شد، اسنادی مربوط به سال ۱۳۱۳ هم چنان از دایر بودن نه باب از این مکاتب در این زمان خبر می‌دهند (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۳/۷/۱۵).

شکل‌گیری مدارس نوین در کردستان (دوره مشروطه)

برای اولین بار مدارس نوین در کردستان اردلان در دوره مشروطه تأسیس شد و چون این برهه نزدیک‌ترین زمان به پژوهش حاضر است، لذا به این دوره نیز اشاره‌ای مختصری می‌شود. در بررسی منابع این دوره، باوجود گذر زمانی از تأسیس این مدارس مشاهده می‌شود که در اکثر نواحی کردستان حتی یک دبستان نبود، از طرفی بودجه پایین اداره فرهنگ برای اداره مدارس موجود هم کافی نبود، و همین اداره آنها را با مشکل مواجه می‌کرد به نحوی که به جای افزایش مدارس هر سال به نحوی تعدادی از آنها منحل می‌شد (آزموده اردلان، ص ۴۸). بدین ترتیب در دوره مشروطه در نتیجه ضعف دولت و ناامنی کشور و مخصوصاً فقر اجتماعی، اوضاع معارف و مدارس در کردستان نیز پیشرفتی نداشت و مدارس موجود هم بیشتر در شهر سندج و مختص به طبقات بالای جامعه بود.

از جمله مدارس به سبک جدید که برای اولین بار توسط اقلیت‌های مذهبی در کردستان تأسیس شدند از این قرارند: مدرسه کلدانیان که اولین مدرسه نوین کردستان بود. این مدرسه به دست پرماکدو و با جدیت کشیش ابوالواحد در سال ۱۲۷۴ در محله مسیحیان سنندج تأسیس شد. مدرسه دیگری نیز با نام «آلیانس» در سال ۱۲۷۵ دایر شد. این مدرسه، که شعبه‌های دیگر آن در شهرهای دیگر ایران نیز دایر شدند، به سفارش مؤسسه آلیانس فرانسه به دست مسیو ترگانو در خیابان سیروس سنندج در محله کلیمی‌ها تأسیس شد. این دو مدرسه که به غیر مسلمانان اختصاص داشتند بعدها که تغییر نام دادند از حمایت وزارت معارف برخوردار شدند و اشراف و سرمایه‌داران شهر نیز فرزندان خود را به یکی از این دو مدرسه برای تحصیل می‌فرستادند. اوژن اوپن (ص ۳۴۵) می‌نویسد:

کلدانی‌های اردلان عموماً در کرسی ایالت (یعنی سنندج) ساکن هستند و از راه تجارت به ثروت کلانی دست‌یافته‌اند. پرماکدو در سنندج یک باب مدرسه فرانسوی با ۱۴۰ شاگرد تأسیس کرده، در این مدرسه پسران آگاهای کرد ایالت اسم نوشته‌اند.

البته چون می‌ترسیدند که مبدا تبلیغات مذهبی مسیحیان در عقایدشان رسوخ کند از مرحوم سید محمدباقر رکن‌الاسلام که جوانی تحصیل کرده و از لحاظ اخلاقی مورد قبول مردم بود دعوت کردند تا سرپرستی بچه‌های مسلمان را در این مدارس به عهده بگیرد (حیرت سجادی، ص ۲۴). با نظارت اداره معارف، با توجه به اهمیت این دو مدرسه، کتاب‌هایی طبق مصوبه وزارت معارف در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۲ تدریس می‌شد و نمرات امتحانی فارغ‌التحصیلان این مدارس، به صورت احصائیه‌ها و اسنادی برای اداره معارف فرستاده می‌شد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، پرونده ۲۹۷-۲۴۴۷۹، شناسه سند ۳۰۹۷۶ نمره ۳۲۵۹). وجود احصائیه‌ها و تغییر نام تدریجی این دو مدرسه نشان از تغییر یافتن هدف اینها از شکل تبلیغ دینی برای مسیحیت، به مدارس دولتی بود، لذا نمی‌توان این دو مدرسه را از مدارس نوین این دوره تفکیک کرد.

به نظر می‌رسد برخی از اشراف و تجار و افراد روحانی نیز مشتاق تأسیس این‌گونه مدارس بودند و حتی کمک هزینه‌هایی از سوی آنها برای ادامه فعالیت مدارس پرداخت می‌شد اما در مواردی نیز که با عسرت مواجه می‌شدند، از حکومت مرکزی درخواست کمک می‌کردند. برای نمونه می‌توان به سندی مربوط به سال ۱۳۰۰ اشاره کرد که در آن

اهالی کردستان به منظور تأسیس ادارهٔ دخانیات و برای تداوم دو مدرسه درخواست کمک هزینهٔ دولتی کرده‌اند (آذری شهرضایی، ص ۲۸۰-۲۸۱). روزنامهٔ شفق سرخ (ص ۳) نیز در جهت تشویق حکومت برای این امر، اهمیت تأسیس مدارس در نواحی مرزی ایران را همانند اهمیت تشکیلات گمرکی در این نواحی دانسته و تأکید می‌کند که این عامل گام مثبتی در جهت اشاعهٔ زبان فارسی در این مناطق است.

از جملهٔ مدارس که در نتیجهٔ پیگیری اهالی و نخبگان فرهنگ دوست کردستان در این ناحیه تأسیس شد می‌توان به مدارس زیر اشاره کرد (قاسمی پویا، ص ۴۶۱-۴۶۴)، در سنندج: مدرسهٔ معرفت (۱۲۸۶)، مدرسهٔ سالاری‌ها (۱۲۸۷)، مدرسهٔ احمدی‌ها (۱۲۹۳)، مدرسهٔ اتحاد (۱۲۹۷)، آموزشگاه مستوره (۱۳۰۲) و دبستان پهلوی (۱۳۰۳)؛ در سقز: دبستان احمدیه (۱۲۹۶) و دبستان سقز (۱۳۰۰)؛ در قروه: دبستان انتصاریه (۱۳۰۳)؛ در بیجار: دبستان پهلوی (۱۳۰۰) و در بانه: دبستان پهلوی (۱۳۰۳).

واکنش علما و مردم کردستان در برابر تأسیس مدارس نوین

برخورد علما و مردم در کردستان با مدارس نوین همانند مناطق دیگر است هم از نوع مقابله است هم از نوع استقبال. برای مثال وقتی یکی از این مدارس به نام مدرسهٔ معرفت در دهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ ق بسته شد، دو تن از دانش‌آموزان در نامه‌ای به مجلس شورای ملی خواستار بازگشایی آن شدند. ایشان در نامهٔ خود مدرسه را «کارخانهٔ آدم سازی» نامیده‌اند و نوشته‌اند که «تنزل ما از بی‌علمی است» (آذری شهرضایی، ص ۹۱-۹۳). در گروه مقابل نیز کسانی هستند که وقتی دیدند مدارس صورت رسمی به خود گرفته و تحت حمایت دولت قرار گرفته است به تحریک ملاهای متعصب و نیز به وسیلهٔ گروهی از طلاب علوم دینی، هر شب دستبردی به مدرسه می‌زدند. این افراد هر نوع تجددخواهی را نقد می‌کردند و تشکیل مدارس و تحصیل علوم جدید را خلاف دین و شریعت قلمداد کرده و کفر محض می‌دانستند. به همین سبب در مواردی بانیان مدارس نام مدرسه را به اسامی اسلامی تغییر می‌دادند تا مردم را جذب کنند، به‌عنوان مثال رکن الاسلام نام مدرسهٔ سعادت را به محمدیه تغییر داد و بعدها فریدالدوله به مناسبت حکومت احمدشاه قاجار نام آن را به احمدیه تغییر داد. اما ملاها هم‌چنان با طعنه از اشخاص می‌پرسیدند «پسرت را در کدام کلیسا ثبت‌نام کرده‌ای؟ مگر در کلیسا زنگ نمی‌زنند؟ و مردم روی صندلی نمی‌نشینند؟» مثلاً به دستور این ملاها تابلوی مدرسهٔ

وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران.../ ۳۹

احمدیه را پایین آورده و در گردن الاغی آویزان کرده و در کوچه‌های شهر گردانیدند (حیرت سجادی، ص ۲۹).

بنا بر اظهار نظر تاریخ مردوخ اشخاص طبقات بالای کردستان که زمام حکومت کردستان را داشتند افرادی بی‌سواد بودند به همین دلیل مخالف پیشرفت علمی بودند و نمی‌خواستند که افراد زیردستان برتر از آنها باشند. بنا بر این همواره دانش و معرفت را مخالف با دیانت و اسلامیت دانسته و به عناوین مختلف در مقابل پیشرفت معارف، موانعی ایجاد می‌کردند (مردوخ کردستانی، ص ۲۸۷). دیدگاه مردم عامی کردستان نیز در باره مدارس بیشتر بدبینانه بوده است. احمد محمدی در خاطرات خود می‌نویسد:

در آن زمان اگر کسی از شش کلاس بیشتر درس می‌خواند او را کافر و سرسری پنداشته و می‌گفتند اگر کسی کلاه و دستمال بر سر نداشته باشد کافر است (تقی، ص ۷۲).

مدارس نوین کردستان در دوره پهلوی اول

رضا شاه بعد از موفقیتش در رسیدن به سلطنت، اجرای برنامه تجددگرایانه خود را آغاز کرد. وی به کمک نخبگان درباری‌اش متوجه رکن زیربنایی کشور یعنی توجه به فرهنگ شد و این امر را در برنامه‌های اجرایی خود قرار داد. از جمله مهم‌ترین اقدامات فرهنگی، آموزش بود که رضا شاه آن را در رأس برنامه‌های خود قرار داد. با تأسیس مدارس نوین، تقویم معارف نیز برای نشان دادن پیشرفت‌های این سیاست به سرپرستی علی‌اصغر حکمت ایجاد شد و هر سال احصائیه‌هایی از این مدارس توسط اداره معارف و اوقاف تهیه می‌شد که در آنها سیاهه مدارس قدیم و جدید و محل آنها و تعداد دانش‌آموزان هر مقطع را درج می‌شد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۳).

در احصائیه سال ۱۳۰۴ روزنامه اطلاعات به سه مدرسه دولتی و پنج مدرسه ملی پسرانه ابتدایی در کردستان اشاره شده است. در همین سند نقل شده است که تا آن زمان جمعاً ۶۴۸ باب مدرسه در سراسر ایران تأسیس شده است (اطلاعات، ۱۶ شهریورماه ۱۳۰۵). اما طبق تقویم معارف کردستان در این سال دو مدرسه دولتی و چهار مدرسه ملی در کردستان بوده است و مدارس خصوصی و خارجی که پیش از این توسط اروپاییان ساخته می‌شد، دیگر دایر نبوده‌اند اما ۲۶ مدرسه قدیمه در این سال دایر بوده است (حکمت، تقویم معارف سال ۱۳۰۵، ص ۵۷). این اختلاف آمار، آن هم به نقل از یک روزنامه دولتی، جای تأمل دارد!

اداره معارف کردستان ابتدا در حوزه اداره معارف همدان تقسیم‌بندی می‌شد و به حوزه معارف غرب کشور مشهور بود، به طوری که اگر معلمی به کردستان اعزام می‌شد تحت نظر اداره معارف همدان بود. بدین ترتیب کارها به‌کندی انجام می‌شد و همواره نگرانی‌هایی در حوزه معارف این استان بابت تأخیر در تشکیل کلاس‌ها و نرسیدن معلم وجود داشت و این موجب بروز اعتراض‌هایی می‌شد تا این که در سال ۱۳۱۱ به تقاضای مسؤولان سیاسی کردستان حوزه معارفی این استان تفکیک شد (سازمان پژوهش و سنجش اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۱۱/۶/۱۹ و ۱۳۱۱/۷/۲۴). همچنین نخستین مدرسه‌های دخترانه در کردستان در این دوره تأسیس شدند. نخستین مدرسه دخترانه در سال ۱۳۰۵ تأسیس شد اما طبق آمارنامه سال ۱۳۱۴، تا آن زمان هم چنان تنها یک کلاس در آن مدرسه دایر بوده است (سالنامه و آمار، ص ۳-۱۵). بر اساس آمارهای سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰ یک دبیرستان دخترانه دیگر و سه دبیرستان پسرانه در آن سال‌ها در کردستان آغاز به کار کردند. بر اساس آمارها در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰، ۲۳۸ دانش‌آموز شامل ۳۵ دختر و ۲۰۳ پسر و در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۱، ۱۹۱ دانش‌آموز شامل ۲۶ دختر و ۱۶۵ پسر در مدارس کردستان تحصیل می‌کردند (همان، ص ۶-۱۱).

در روستاها و قصبات استان‌ها نیز اقداماتی برای تأسیس مدارس انجام می‌شد. روزنامه اطلاعات در شماره دوم آذر ماه ۱۳۰۶ (ص ۲) به تخصیص بودجه‌ای از محل مالیات ارضی برای این امر اشاره می‌کند. بر اساس این خبر از محل این بودجه دستور تأسیس ۱۴۰ باب مدرسه ابتدایی در سطح کشور داده شد که سهم کردستان سه باب و گروس سه باب لحاظ شده بود. نگارنده در باره تأثیر این مدارس با برخی روستاییان که آن دوره را درک کرده‌اند مصاحبه کرده است. از جمله این روستاییان شخصی به نام کاک ایاز است. او در خاطرات خود می‌گوید که با وجود تبلیغات بسیار، تعداد انگشت شماری از مردم روستانشین در مدارس ثبت‌نام می‌کردند. حتی در میان عشایر تخته قاپو شده نیز تمایل چندانی به باسواد شدن وجود نداشت و این بیشتر به دلیل ضعف بنیه مالی و اشتغال مردم به کشاورزی بود که وقت چندانی برایشان باقی نمی‌گذاشت تا به تحصیل بپردازند. از جمله مسائلی که شاید موجب ناراحتی مردم از این مدارس شده بود آن بود که آموزش و سخن گفتن در مدارس به زبان کردی مجاز نبود و بر سر در تمام کلاس‌ها این شعار به چشم می‌خورد که به فارسی سخن بگویید (توکلی، ص ۱۹۱).

شاید ضرورت ایجاد وحدت ملی و مقابله با تشتت اجتماعی زمینه ظهور چنین تفکری را فراهم آورده بود.

توسعه و پراکندگی مدارس نوین در کردستان

بازرسی مفتشان اداره معارف از مدارس یک منطقه عامل اصلی توسعه مدارس بوده است. برای نمونه با ورود آقای حائری، رئیس تفتیش سیار وزارت معارف، در سال ۱۳۱۳ به شهر سقز، دستور تأسیس مدرسه جدیدی داده شد و مدرسه قدیمی سقز که پسرانه بود، برای افتتاح مدرسه‌ای دخترانه در این ناحیه در نظر گرفته شد (روزنامه اطلاعات، دوشنبه هفدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۳، ص ۳؛ روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۱۳، ص ۲). این بازرسی‌ها بعضاً به سبب ویژگی‌های اقلیمی منطقه کردستان و صعب‌العبور بودن راه‌های آن مغفول می‌ماند. برای مثال آقای حائری در همان سال در گزارشی به نگرانش از وضعیت جوی و مسدود شدن راه‌ها اشاره می‌کند (اطلاعات، ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۱۳، ص ۳ و ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۳، ص ۳). این دشواری‌ها موجب می‌شد که روند توسعه مدارس در کردستان آهنگ مناسبی نداشته باشد.

مهم‌ترین مدارس کردستان:

مدارس سنندج:

- ۱- دبستان پهلوی که همان دبستان کلدانی بود که در تاریخ ۱۳۰۷ نامش به دبستان پهلوی تغییر کرد؛ ۲- دبستان اتحاد که شش کلاس داشت؛ ۳- دبستان احمدیه که پنج کلاس داشت؛ ۴- دبستان هدایت که شش کلاس داشت؛ ۵- آموزشگاه مستوره یا دبیرستان شاهدخت که توسط مریم اردلانی در ۱۳۰۲ تأسیس شد؛ ۶- دبستان بدر که شش کلاس داشت؛ ۷- دبستان مختلط ۱۷ دی که در ۱۳۱۴ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۸- دبستان مختلط دانش که در ۱۳۱۴ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۹- دبستان ۱۵ بهمن که در ۱۳۱۵ تأسیس شد؛ ۱۰- دبیرستان معقول و منقول سنندج که در ۱۳۱۵ در مسجد دارالاحسان تأسیس شد؛ ۱۱- مدرسه جوان نسوان سنندج که به همت مریم اردلانی در ۱۳۰۵ تأسیس شد (سالنامه معارف کردستان، ص ۲۴).

مدارس سقز:

۱- دبیرستان شاهپور که در سال ۱۳۰۰ تأسیس شده بود و شش کلاس ابتدایی و یک کلاس متوسطه داشت؛ ۲- دبستان حکمت که در سال ۱۳۱۴ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۳- دبستان نوبهار که در سال ۱۳۱۵ تأسیس شد؛ ۴- دبستان مختلط که در سال ۱۳۱۵ تأسیس شد و دو کلاس داشت (سالنامه معارف کردستان، ص ۲۸).

مدارس نواحی دیگر:

۱- دبستان پهلوی بانه که در سال ۱۳۰۳ توسط حسین اردلان تأسیس شد و در سال ۱۳۰۵ دولتی شد و شش کلاس داشت؛ ۲- دبستان مختلط بانه که در ۱۳۱۵ تأسیس شد و دو کلاس داشت؛ ۳- دبستان حافظ قروه که در ۱۳۰۳ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۴- دبستان منوچهری سردشت که شش کلاس داشت؛ ۵- دبستان فرخی مریوان که پنج کلاس داشت؛ ۶- دبستان مولوی دزلی که چهار کلاس داشت؛ ۷- دبستان رودکی رزآب که چهار کلاس داشت؛ ۸- دبستان الفت نودشه که در ۱۳۱۴ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۹- دبستان غزالی نوسود که چهار کلاس داشت؛ ۱۰- دبستان سعدی پاه که چهار کلاس داشت؛ ۱۱- دبستان فردوسی دیواندره که چهار کلاس داشت؛ ۱۲- دبستان رونق جوانرود که چهار کلاس داشت؛ ۱۳- دبستان بیساران که چهار کلاس داشت؛ ۱۴- دبستان روانسر که دو کلاس داشت؛ ۱۵- دبستان هانی گرمله که در ۱۳۱۵ تأسیس شد و دو کلاس داشت؛ ۱۶- دبستان سنایی اوباتو که در ۱۳۱۵ تأسیس شد و چهار کلاس داشت؛ ۱۷- دبستان خاقانی سریش آباد که چهار کلاس داشت؛ ۱۸- دبستان حسین آباد که دو کلاس داشت؛ ۱۹- دبستان عنصری دزج که چهار کلاس داشت؛ ۲۰- دبستان انوری رمشت که چهار کلاس داشت؛ ۲۱- دبستان صلوات آباد که چهار کلاس داشت (سالنامه معارف کردستان، ص ۲۸-۲۹). مدارس دیگری نیز برای روستاهای برخی بلوکات تأسیس شد که از جمله آنها می‌توان به مدرسه طای، مدرسه سراب قحط،

۱. سردشت در ۱۳۱۳ از حوزه معارفی ایالت غربی آذربایجان مجزا شد و مدارس این ناحیه تحت نظر کردستان اداره می‌شد (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۳/۱/۷).

مدرسه دهگلان، مدرسه رزاو و مدرسه کامیاران اشاره کرد (مردوخ کردستانی، ص ۲۸۷).

بر طبق این اسناد و سالنامه‌های موجود مربوط به این دوره می‌توان گفت که از ۱۳۱۲ تأسیس مدارس نوین در کردستان نرخ رشد بهتری داشته است. این مطلب را در باره تعداد دانش‌آموزان نیز در همین دوره زمانی، یعنی پس از سال ۱۳۱۲، می‌توان گفت. در یک نگاه آماری در ۱۳۱۲، ۱۳۹۹ دانش‌آموز، در ۱۳۱۳، ۱۷۳۶ دانش‌آموز و در ۱۳۱۴، ۱۹۵۲ دانش‌آموز در مدارس کردستان تحصیل می‌کردند و تعداد معلمان ایشان بر پایه آمارهای موجود ۱۱۸ نفر بوده است (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۳۰۹۷۱، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱؛ شناسه سند ۳۰۹۶۷، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱؛ شناسه سند ۳۰۹۶۸، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱؛ شناسه سند ۳۰۹۶۹، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱؛ شناسه سند ۳۰۹۷۰، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱).

در این زمان، علاوه بر آموزش کودکان به آموزش بزرگسالان نیز توجه می‌شد که از جمله اصلاحات فرهنگی و اجتماعی در تلاش برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی به شمار می‌آمد. به همین سبب در مدارس روزانه کلاس‌هایی تحت عنوان کلاس اکابر جهت آموزش بزرگسالان تشکیل شد (روزنامه اطلاعات، ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۵، ص ۴). تأسیس مدارس اکابر در کردستان نیز در همین زمان آغاز شد و در مهر ماه همان سال خبر آن اعلام شد (روزنامه اطلاعات، ۵ مهرماه ۱۳۱۵، ص ۴). اداره معارف کردستان ۲۱ دانش‌پایه اکابر در نقاط مختلف استان تأسیس کرد که پنج دانش‌پایه در سنندج در محل دبستان‌های شاهپور، هدایت، پانزدهم بهمن، پهلوی و بدر تشکیل شدند (روزنامه اطلاعات، ۲۷ مهرماه ۱۳۱۵، ص ۳). طبق آماری مربوط به آذرماه سال ۱۳۱۵ تعداد شاگردان آموزشگاه‌های اکابر در کردستان ۶۱۸ نفر بود (روزنامه اطلاعات، ۲۴ آذرماه ۱۳۱۵، ص ۴) و در دی‌ماه به ۱۰۶۲ نفر رسید (روزنامه اطلاعات، ۲۲ دی ماه ۱۳۱۵، ص ۳) که نشانه گرایش مردم به باسواد شدن است. البته ارقام بیشتر مربوط به شهرها هستند و تأیید آنها آسان نیست.

برنامه آموزشی در مدارس نوین کردستان (دوره پهلوی اول)

درس‌هایی که تا پیش از آغاز سلطنت پهلوی در مدارس تدریس می‌شدند عبارت بودند از: مدارج القرائت، شمس‌التصاریف، حساب اعشاری، دوره دوم جغرافی، فرانسه، سیلابروبه و تاریخ عمومی (آذری شهرضایی، ص ۹۲) اما در دوره پهلوی همسان سازی

دروس آغاز شد و مواد درسی دوره ابتدایی از این قرار تعیین شدند: ادبیات و دستور، قرآن، شرعیات، سیاه‌مشق، ریاضیات و ورزش (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۰/۳/۱۵) و نیز در مواردی نقشه‌های جغرافیایی و علوم طبیعی تدریس می‌شد (همان سند). دانش آموزان برای گذراندن یک مقطع لازم بود امتحان بدهند و این امتحان به دو صورت کتبی و شفاهی برگزار می‌شد. در هر مدرسه، در زمان برگزاری امتحانات نهایی، بازرسی از طرف وزارت معارف کشور برای نظارت بر برگزاری امتحانات و نیز بررسی عملکرد دانش آموزان فرستاده می‌شد (برای نمونه در صفحه هشت روزنامه اطلاعات اول تیر ماه ۱۳۱۹ به شخصی به نام تقی تقوی اشاره شده است که برای این منظور به کردستان آمده بود)، البته هرچه می‌گذشت از شدت این تشریفات کاسته می‌شد. زمان شروع امتحانات همه مناطق ایران و از جمله کردستان نیز در روزنامه اطلاعات درج می‌شد (برای نمونه شماره ۱۲ خرداد ماه ۱۳۱۴، ص ۳ و ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۵، ص ۴). مواد امتحانات کتبی شامل، املا، انشا، حساب و هندسه (ریاضیات)، تعلیمات دینی و مدنی، تاریخ و جغرافیا، بهداشت و علم الاشیاء بود. این آزمون نهایی از دانش آموزان مناطق در خرداد ماه هر سال به عمل می‌آمد. به عنوان مثال در آماري از ۸۵ نفر شاگردان پسر مدارس ۶۱ نفر در امتحانات کتبی قبول و موفق به ورود به مقطع بعدی شدند و از ۱۴ نفر شاگردان دختر این استان همه قبول شدند (روزنامه اطلاعات، ۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۵، ص ۴؛ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۱۵، ص ۴).

اقدام آموزشی دیگری که در مدارس توسط وزارت معارف در استان‌ها انجام می‌گرفت دادن گواهی‌نامه بود. این گواهی‌نامه‌ها معادل کارنامه امروزی بودند و به کسانی داده می‌شدند که امتحانات نهایی را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند و به کلاس بالاتر راه می‌یافتند، البته این اصطلاح بیشتر در مورد شاگردانی که کلاس ششم ابتدایی را به پایان رسانده بودند به کار می‌رفت. زمانی که اسامی قبول‌شدگان به استان‌ها می‌رسید معمولاً جشن‌هایی به این مناسبت برای قبول‌شدگان بر پا می‌شد، زیرا گرفتن این تصدیق‌نامه یا گواهی‌نامه به منزله استخدام در ادارات دولتی و برخوردار شدن از حقوق اجتماعی بهتر بود.

توجه به وضعیت سلامت دانش‌آموزان و رعایت بهداشت توسط آنان از جمله اقدامات دیگر مدارس بود. در مهرماه هر سال با شروع کلاس‌های درس، پزشکی را برای معاینه و بررسی وضعیت سلامت جسمانی دانش‌آموزان به مدارس می‌فرستادند و مبتلایان

به امراض مختلف را معالجه می‌کردند و در مواردی برای پیش‌گیری از شیوع بیماری‌هایی واگیردار مانند مالاریا بین دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان‌ها دارو توزیع می‌کردند (روزنامه اطلاعات، ۲۳ مهرماه ۱۳۱۶، ص ۲؛ همان، اول اسفند ماه ۱۳۱۷، ص ۱۱). دبیرستان‌ها با هدف ورزیدگی و باسواد شدن و کاردانی دانش‌آموزان، کارهای خارج از برنامه در نظر می‌گرفتند که نتیجه آنها از ۱۳۱۴ به عنوان انجمن‌های مستقل بروز کرد. اعضای انجمن‌ها از دانش‌آموزانی بودند که حسب علاقه و استعداد به زمینه‌ای پرداخته بودند. عمده این انجمن‌ها به سه شعبه تقسیم می‌شدند: ۱- انجمن ادبی ۲- انجمن صنایع مستظرفه ۳- انجمن نیرو (ورزش). در سال ۱۳۱۶ انجمن ادبی دبیرستان شاهپور سندج ۴۷ نفر عضو، انجمن صنایع مستظرفه ۱۹ عضو و انجمن نیرو (ورزش) ۴۵ عضو داشتند (سالنامه معارف کردستان، ص ۵۰-۵۲). به این اقدامات می‌توان تأسیس کلاس‌های موسیقی، ترویج فعالیت‌های نمایشی، برگزاری جشن‌های مختلف در مناسبت‌های گوناگون مانند هفته درخت‌کاری و تأسیس گروه‌های پیشاهنگی را افزود. بعضاً انجام چنین فعالیت‌هایی را مایه تهذیب اخلاق اجتماعی، ترویج حس میهن‌دوستی و در نهایت تقویت روحیه شاه‌پرستی می‌دانستند (سالنامه معارف کردستان، ص ۵۸).

نتیجه‌گیری

دوره اقتدار رضا شاه، دوره تاریخی مهمی از دیدگاه انجام اصلاحات در جامعه ایرانی به حساب می‌آید. یکی از مهم‌ترین این اصلاحات نوسازی مدارس و تنظیم و تصویب قوانین مربوط به آموزش اجباری است. هرچند چنین تلاشی پیش‌تر و از دوره قاجار آغاز شده بود اما اصلاحات دوره قاجار با فراز و نشیب‌ها و مشکلات فراوانی همراه بود و در نتیجه امکان ایجاد تحول اساسی در این زمینه پدید نیامد. رضا شاه، امور مربوط به مدارس و آموزش و پرورش را هم چون دیگر امور حکومت کاملاً تحت نظر دولت قرار داد، سبک و شیوه این اصلاحات، تجددگرایانه و آمرانه بود. نتایج این مقاله تأثیر این اقدام را در کردستان نیز نشان می‌دهند هر چند به نظر سیر آن در کردستان نسبت به دیگر نقاط ایران آهنگ آرام‌تری داشته است. البته می‌توان سیاست آمرانه رضا شاه را در این باره نقد کرد. از اشکالات دیگری که این نهضت نوین آموزشی داشت، بی‌توجهی به پیشینه‌های تاریخی و اجتماعی و بومی مردم ایران بود. گسست و بیگانگی میان مکاتب و حوزه‌های سنتی با مدارس و مراکز آموزشی جدید از جمله عوامل

بیگانگی قشرهای سنتی جامعه با آموزش نوین است و از اسباب کند شدن روند پذیرش این آموزش‌ها در جامعه که به نوبه خود مانع گسترش عمیق آموزش جدید در ایالاتی چون کردستان شد.

منابع

- آذری شهرضایی، رضا. (۱۳۸۵ش). گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان (آرشیو کتابخانه مجلس شورای ملی). ترجمه و مقدمه به انگلیسی از سید عبدالقادر هاشمی. تهران: نشر کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آزموده اردلان، یدالله. (۱۳۳۳ش). اوضاع اجتماعی و اقتصادی کردستان. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد.
- اوین، اوژن. (۱۳۲۶ش). ایران امروز. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: کتاب‌فروشی زوار. احتسابیان. (۱۳۱۶-۱۳۱۷ش) مقدمه‌ای راجع به جغرافیای نظامی ایران. جهت دانش‌آموزان سال اول افسری و سال دوم ستوانی، دانشکده افسری، سخنرانی شماره ۱۴. تهران: چاپخانه ارتش. حکمت، علی اصغر. تقویم معارف سال ۱۳۰۵ شمسی.
- _____ . سالنامه معارف کردستان. سال تحصیلی (۱۳۱۵-۱۳۱۶). تهران: چاپخانه اقبال.
- تقی، جلال. (۱۳۷۹ش). مبارزه خلق کرد علیه استعمار انگلیس در خاطرات احمد تقی یا صفحه‌های از انقلاب شیخ محمود حفیدزاده برزنجی. ترجمه احمد محمدی. سندج: نشر مترجم.
- توکلی، محمد رئوف. (۱۳۶۳ش). جغرافیا و تاریخ بانه. چاپ دوم. تهران: نشر مؤلف.
- حیرت سجادی، عبدالحمید. (۱۳۸۰ش). پیشینه آموزش و پرورش کردستان. زیر نظر فاروق داوودپور. تهران: نشر عابد.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۰ش). کردستان. تهران: نشر مدبر.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱ش) حیات یحیی. تهران: نشر عطار.
- روزنامه آموزش و پرورش، شماره ۹ و ۱۰، سال دهم، دی و بهمن ماه ۱۳۱۹.
- روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۲، (۱۶ شهریورماه ۱۳۰۵؛ ۳۰ صفر ۱۳۴۵).
- _____ ، سال دوم، شماره ۳۶۵، (عصر پنجشنبه ۲ آذرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۶).
- _____ ، سال سوم، (۲۵ تیرماه ۱۳۰۷)، شماره ۵۳۵.
- _____ ، سال هشتم، شماره ۲۱۵۷، (شنبه ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۱۳).
- _____ ، سال هشتم، شماره ۲۱۷۶، (چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۳).
- _____ ، سال هشتم، شماره ۲۱۸۰، (دوشنبه هفدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۳).
- _____ ، سال نهم، شماره ۲۳۰۹، (سه‌شنبه هفدهم مهرماه ۱۳۱۳).
- _____ ، سال نهم، شماره ۲۳۱۰، (چهارشنبه هجدهم مهرماه ۱۳۱۳).

- _____ ، سال نهم ، شماره ۲۳۳۴ ، (پنجشنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۱۳).
- _____ ، سال نهم ، شماره ۲۴۴۹ ، (یکشنبه دهم فروردین ماه ۱۳۱۴).
- _____ ، سال نهم ، شماره ۲۴۸۰ ، (پنجشنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴).
- _____ ، سال نهم ، شماره ۲۴۹۹ ، (دوشنبه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۱۴).
- _____ ، سال دهم ، شماره ۲۸۰۱ ، (دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال دهم ، شماره ۲۸۱۰ ، (پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال دهم ، شماره ۲۸۲۰ ، (یکشنبه سی و یکم خرداد ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۸۴۰ ، (شنبه بیستم تیر ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۸۴۲ ، (دوشنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۸۴۴ ، (۲۴ / ۴ / ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۹۱۸ ، (یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۹۳۹ ، (دوشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۲۹۶۲ ، (پنجشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۳۹۹۲ ، (سه شنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۳۰۱۹ ، (شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۳۰۵۹ ، (یکشنبه دوم اسفند ماه ۱۳۱۵).
- _____ ، سال یازدهم ، شماره ۳۱۲۳ ، (عصر سه شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶).
- _____ ، سال دوازدهم ، شماره ۱۵۸ ، (صبح ۲۳ مهر ماه ۱۳۱۶).
- _____ ، سال دوازدهم ، شماره ۲۰۲ ، (صبح یکشنبه، ۲۱ آذر ماه ۱۳۱۶).
- _____ ، سال دوازدهم ، شماره ۳۴۴۱ ، (عصر چهارشنبه هفدهم فروردین ماه ۱۳۱۷).
- _____ ، سال سیزدهم ، شماره ۳۶۴۰ ، (دوشنبه دوم آبان ماه ۱۳۱۷).
- _____ ، سال سیزدهم ، شماره ۳۷۵۶ ، (دوشنبه اول اسفند ماه ۱۳۱۷).
- _____ ، سال سیزدهم ، شماره ۳۸۶۵ ، (جمعه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۱۸).
- _____ ، سال پانزدهم ، شماره ۴۲۲۳ ، (شنبه اول تیر ماه ۱۳۱۹).
- _____ ، سال پانزدهم ، شماره ۴۲۴۹ ، (پنجشنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۹).
- _____ ، سال پانزدهم ، شماره ۴۵۵۷ ، (شنبه هفدهم خرداد ماه ۱۳۲۰).
- روزنامه شفق سرخ، سال هفتم، شماره ۱۰۱۳ ، (اول مرداد ماه سال ۱۳۰۷ شمسی).
- سالنامه و آمار سال ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ و ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱ و ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ . چاپخانه فردوسی وزارت فرهنگ، اداره کل نگارش دایره آمار.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ ، اداره کل انطباعات، دایره آمار، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، دولت شاهنشاهی ایران.

۴۸ / تاریخ علم، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴

- صدیق، عیسی. (۱۳۳۶ش). تاریخ فرهنگ ایران (از آغاز تا زمان حاضر). تهران: نشر دانشگاه، تهران.
- غنی، سیروس. (۱۳۸۵ش). ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها. ترجمه حسن کامشاد. تهران: نشر نیلوفر.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کردستان (شهرستان سنندج). (۱۳۸۵ش). ج اول. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۷۷ش). مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان، ویراستاران: هاشم بناپور و رضا پورجوادی. تهران: نشر دانشگاهی.
- کشاورزی، محمدعلی. (۱۳۶۵ش). تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: روزبهان.
- کینان، درک. (۱۳۷۲ش). کردها و کردستان مختصر تاریخ کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر نگاه.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰ش). مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج اول. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مردوخ کردستانی، محمد. (۱۳۷۹ش). تاریخ مردوخ. تهران: نشر کارنگ.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر. (۱۳۳۶ش). نزه القلوب. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۶۳ش). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. ج ۴. تهران: نشر علمی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۵ش). تاریخ معاصر ایران. تهران: چاپ شرق، کتاب‌فروشی فروغی.
- وان برویین سن، مارتین. (۱۳۷۹ش). جامعه‌شناسی مردم کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانید.

اسناد آرشیوی

- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره پرونده ۲۹۷-۲۴۴۷۹، شناسه سند ۳۰۹۷۶، نمره ۳۲۵۹.
- _____، شماره پرونده ۲۹۷-۲۴۴۷۹، شناسه سند ۳۰۹۷۴، نمره ۱۳۶۵، ۱۳۰۳.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۸، شماره پرونده ۲۹۷-۳۲۷۸۷، نمره ۲۹۵۴۹، ۲۸/۱۰/۱۳۰۸ش.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۷۱، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۶۷، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۶۸، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۶۹، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۷۰، شماره پرونده ۲۹۷-۲۱۴۴۱.
- _____ شناسه سند ۳۰۹۴۷، شماره پرونده ۲۹۷-۱۱۰۰۶، ۱۵/۳/۱۳۱۰.
- _____، شناسه سند ۳۰۹۴۶، شماره پرونده ۲۹۷-۱۱۰۰۶، ۱۳۱۰.

وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران.../۴۹

_____ ، شناسه سند ۳۰۸۷۲ ، شماره پرونده ۲۹۷ - ۲۸۵۹۱ ، نمره ۲۵۸۶۷ ، ۱۳۱۳/۷/۱۵ .

_____ ، شناسه سند ۳۰۸۶۷ ، شماره پرونده ۲۹۷ - ۲۸۵۹۱ ، نمره ۱۲۰ ، ۱۳۱۳/۱/۷ .

_____ ، شماره پرونده ۲۹۷ - ۲۶۶۳۱ ، شناسه سند ۳۰۸۶۵ ، نمره ۷۲۹۲ ، ۱۳۱۴/۱۱/۱۴ .

سازمان پژوهش و سنجش اسناد ریاست جمهوری ، نمره ۲۲۴۲ ، ۱۳۱۱/۶/۱۹ .

_____ ، نمره ۲۲۷۹ ، ۱۳۱۱/۶/۲۱ .

_____ ، نمره ۱۴۶۳۰/۴۶۸۲ ، ۱۳۱۱/۷/۲۴ .